

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران، میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: موسسه مطبوعاتی نشرگستر امروز نوین • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

شترت

سه‌شنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۵

۱۷ذی‌القعده ۱۴۴۷ • ۵ می ۲۰۲۶ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۳۲۷۷ • صفحه ۵۰۷

اذان ظهرتهران ۱۲:۰۱ • اذان مغرب ۱۹:۰۴ • اذان صبح فردا ۳:۲۳ • طلوع آفتاب ۵:۰۷

تاریخ‌خوانی

از اینترنت‌لاکن تاچالدران



علی مرسلی

اینجا اینترنت‌لاکن است، در یک روز برفی ماه مارس. آرامش به قدری زیاد است که آدم عصبانی می‌شود.

مخصوصا اگر از کشوری آمده باشی که در طول یک سال، دو بار زیر بمباران قدرت‌های نظامی منطقه و جهان بوده، نشنستی در این آرامش کارت‌پستالی، نوعی تناقض درنکات است.

اینترلاکن از آن عکس‌هایش هم زیباتر است و زندگی در سوئیس، به‌ویژه در شهرهای کوچک، ریتم ثابت و آرامش افزونی دارد.

اما این آرامش همیشه اینجا موجود نبوده است. سوئیس‌هایی که امروز می‌بینیم (آرام، بی‌طرف، خونسرد، صبور و ساعت‌ساز…) قرن‌ها پیش چیز دیگری بودند. پیاده‌نظام سوئیس در قرون چهاردهم و پانزدهم ترسناک‌ترین نیروی رزمی اروپا بود. تاکتیک‌شان ساده و مهلک بود: مربع‌های شش‌بره نیزه‌داران که با سرعتی غیرمنتظره حمله می‌کردند، نه اسیر می‌گرفتند و نه می‌دادند (هنوز هم به طور نمادین گارد حفاظتی واتیکان، سوئیس هستند).

پیاده‌نظام دهقانی جسور و وحشی سوئیس‌ی روزگاری کابوس ارتش‌های اروپا بوده. سوئیس نه‌تنها برای خود می‌جنگید، بلکه سربازان مزبورش را به پادشاهان سراسر اروپا می‌فروخت، گاهی در گروه از سربازان مزدور سوئیس در مقابل هم می‌ایستادند.

اما در سپتامبر ۱۵۱۵ در دشت‌های ماریگنانو در نزدیکی میلان همه چیز عوض شد. فرانسوای اول، پادشاه فرانسه، با ارتشی مجهبز به توپخانه سنگین، مربع‌های انسانی سوئیس‌ی را که در برابر اسب و شمشیر شکست‌ناپذیر بودند، به توپ بست. در دو روز نبرد، شاید ۱۰ هزار سوئیس‌ی کشته شدند و بعد، عقب‌نشینی و شکست…

یک سال بعد، سوئیس با فرانسه «صلح ابدی» بست و در کمال طنز، بخشی از این پیمان همان فروش سربازانش به فرانسه بود. از آن پس، سوئیس به‌تدریج از رقابت امپراتوری‌سازی کنار کشید. بی‌طرفی‌اش در کنفره وین ۱۸۱۵ به رسمیت شناخته شد. ماریگنانو، آخرین جنگ خارجی سوئیس‌ی‌ها، در فرهنگ سوئیس‌ی نه به عنوان شکست، بلکه به عنوان نقطه‌ای از «بلوغ سیاسی» ثبت شد. روزی که این کشور کوچک کوهستانی فهمید کجا باید جنگیدن را تمام کند.

پس از آن شکست، سوئیس‌ی‌ها دیگر در هیچ جنگ اروپایی شرکت نکردند، نه جنگ‌های ناپلئون، نه جنگ جهانی اول، نه جنگ جهانی دوم. اما جالب اینجاست که درست یک سال بعد از ماریگنانو، در آن طرف دنیا، نبردی مشابه اتفاق افتاد. در دشت چالدران در ۱۵۱۶، ایران صفوی در برابر عثمانی قرار گرفت.

هم جنگ چالدران و هم ماریگنانو با انگیزه توسعه‌طلبی و رقابت ارضی آغاز شدند. در هر دو نبرد یکی از انگیزه‌ها اختلاف مذهبی بود و در هر دو نبرد، شاه کشورها مستقیما در صحنه حضور داشت و جانش در خطر افتاد (فرانسوای اول در محاصره قرار گرفت و گریخت، شاه اسماعیل صفوی نیز احتمالا زخمی از مهلکه جان به در برد). جالب‌تر اینکه در هر دو نبرد، یک طرف توپخانه داشت و طرف دیگر نه. نتیجه فکری هر دو نبرد هم مشابه بود: هر دو طرف بازنده فهمیدند دوران جدیدی آغاز شده و باید تغییر بزرگی روی دهد.

اما واکنش سوئیس‌ی‌ها و ایرانی‌ها متفاوت بود.

ایرانیان بعد از چالدران در جنگ‌های متعددی شرکت کردند و بیشتر آنها را باختند. از روس‌ها شکست خوردند و قفقاز را از دست دادند. از انگلیسی‌ها شکست خوردند و هرات و تسلط بر خلیج فارس را از دست دادند. در جنگ جهانی، خاک‌شان بدون رضایت‌شان اشغال شد. سوئیس از ۱۵۱۵ تا امروز حدود ۵۰۰ سال است که در هیچ جنگی شرکت نکرده.

چند روزی است از برخی تریبون‌ها، مشکلات اقتصادی و گرانی‌های

ناشی از تجاوز دشمن، به ناقح متوجه دولت شده است. درحالی‌که همه دیدند دولت در طول جنگ تمام تلاش خود را به کار بست تا معیشت مردم، به‌ویژه اقشار ضعیف، آسیب نبیند. در چنین شرایط حساسی، ضروری است مسئولان ارشد نظام با مردم صریح سخن بگویند، واقعیت‌ها را توضیح دهند و هم‌زمان به تریبون‌داران توصیه‌کنند که شوراندن افکار عمومی علیه دولت، در میانه تهدید خارجی، می‌تواند پیامدهایی پر هزینه برای کشور به همراه داشته باشد. جنگ همواره با تبعاتی فوری، میان‌مدت و بلندمدت همراه بوده است. افزایش قیمت‌ها، کاهش قدرت خرید، اختلال در زنجیره تامین،

فرسایش روانی جامعه و محدودشدن افق‌های اقتصادی، بخشی طبیعی از شرایط جنگی است. در چنین وضعیتی، هرگونه تلاش برای انکار یا کم‌اهمیت جلوه‌دادن این پیام‌ها، نه‌تنها کمکی به مدیریت بحران نمی‌کند، بلکه به تضعیف سرمایه اجتماعی و کاهش اعتماد عمومی می‌انجامد. واقعیت این است که جامعه امروز ایران در یکی از دشوارترین مقاطع تاریخی خود قرار دارد که نیازمند درک مشترک، انسجام ملی و پذیرش هزینه‌هاست. اما این پذیرش فقط در صورتی شکل می‌گیرد که مردم احساس کنند با آنان صادقانه سخن گفته می‌شود. امیدسازي واهی، وعده‌های غیرقابل تحقق و تحلیل‌هایی که تلاش می‌کنند واقعیت‌های تلخ را به عوامل حاشیه‌ای یا «خائنان داخلی» نسبت دهند، بیش از آنکه راهگشا باشند، نوعی مکانیسم دفاعی برای فرار از واقعیت هستند. نمونه این گریز از واقعیت را می‌توان در برخی تحلیل‌ها درباره نوسانات اقتصادی مشاهده کرد؛ تحلیل‌هایی که بدون توجه به ساختارهای کلان اقتصادی و فشارهای ناشی از جنگ و تحریم، تلاش می‌کنند مشکلات را به افراد یا گروه‌های خاص تقلیل دهند. این رویکرد مسئله را حل نمی‌کند و مانع از شکل‌گیری گفت‌وگوی ملی درباره ریشه‌های واقعی بحران می‌شود. از سویی دیگر، تجربه‌های گذشته نشان داده است تحریک احساسات عمومی، بدون ارائه تصویر دقیق از هزینه‌ها، نمی‌تواند جامعه را برای تحمل شرایط سخت آماده کند. مردمی که در میدان حضور دارند و حتی از ادامه مسیری‌ها پرهزینه حمایت می‌کنند، باید به‌درستی از تبعات این انتخاب‌ها آگاه شوند. نمی‌توان خواستار تداوم یک وضعیت جنگی بود اما از پیامدهای اقتصادی آن سخن نگفت. نمی‌توان از انسداد مسیری‌های



مسیر ۲۰ کیلومتری راه‌آهن سوادکوه که شهر زیراب را به شیرگاه متصل می‌کند، به عنوان یکی از زیباترین مسیری‌های ریلی کشور شناخته می‌شود. چشم‌اندازهای خیره‌کننده این مسیر، فقط به جنگل‌های متراکم خلاصه نمی‌شود، بلکه آبشارها، تونل‌های تاریخی و چمنزارهای وسیع و سرسبز، بر جذابیت آن افزوده و فضایی ایدئال برای استراحت، ورزش و تفریح مسافران فراهم می‌آورد. عکس: حسن عیسی پور، ایسنا

instagram:sharghdaily1
twitter:sharghdaily
youtube:sharghdaily
Telegram:SharghDaily
apararat:tasvirshargh
www.sharghdaily.com

گفت‌وگوی صریح با مردم، راه برون‌رفت از تنگنا

صداقت، کلید تاب‌آوری



قادر باستانی تیریزی

حیاتی اقتصادی دفاع کرد، اما اثرات آن بر معیشت مردم را نادیده گرفت. انسجام در مطالبات، نیازمند انسجام در روایت است.

در چنین شرایطی، نقش مسئولان نظام بسیار تعیین‌کننده است. جامعه نیازمند ایجاد شوک‌های مثبت و آرام‌کننده است که بتواند میان بیان صادقانه واقعیت‌ها و ترسیم چشم‌اندازی روشن از آینده تعادل برقرار کند. کاهش تب اجتماعی فقط از مسیر گفت‌وگوی صریح با مردم، ارائه برنامه‌های مشخص برای اصلاح و بهبود و ارسال سیگنال‌های مثبت در عرصه داخلی و خارجی ممکن است. کنشیاش در سیاست داخلی، افزایش شمول اجتماعی، توجه به حقوق شهروندی و پرهیز از نگاه‌های محدودکننده، می‌تواند بخشی از این فرآیند باشد. از سویی دیگر، در عرصه خارجی نیز ارسال نشانه‌هایی از علانیت، تنش‌زدایی و تلاش برای کاهش فشارها، امیدوی واقعی و قابل اتکا در جامعه ایجاد می‌کند؛ امیدی که بر اساس نشانه‌های ملموس شکل می‌گیرد. در این میان، آنچه بیش از سیاست اهمیت پیدا می‌کند، «روایت» است. جامعه امروز بیش از هر چیز به روایتی نیاز دارد که در عین واقع‌گرایی، عناصر هویت‌بخش و امیدآفرین را نیز در خود داشته باشد. روایتی که از اغراق و زیاده‌گوییی فاصله بگیرد و در آن نشانه‌هایی از همبستگی ملی، ارزش‌های مشترک و ظرفیت‌های کشور برای عبور از بحران وجود داشته باشد. این روایت باید فراگیر باشد؛ به این معنا که همه اقشار جامعه را در بر بگیرد و هیچ‌کس را از دایره «مردم» خارج نکند. استفاده از مفهوم «مردم» به عنوان یک کل واحد، بدون تقسیم‌بندی‌های سلیقه‌ای و محدودکننده، به تقویت احساس تعلق و مشارکت جمعی کمک می‌کند. در شرایطی که کشور وارد دوره‌ای جدید شده است، نیاز به بازتعریف این روایت ملی بیش از

نظرخوانی

اُبژه فرهنگ در عصر دیجیتال



محمد آخوندپور امیری

پژوهشگر مسائل ایران

مطابق با منطق شخصیت در حال ظهور رشد می‌کند. به اعتبار آنچه زمل بیان می‌کند، فرهنگ عینی یا ایزکتیو، مجموعه‌ای از انگاره‌ها و هنجارهایی است که در زمینه‌ای تاریخی، به عنوان محصولاتی تعیین‌یافته و تثبیت‌شده به منزله هژمونیک رسیده و پیشاروی جامعه قرار می‌گیرد. درواقع این الگوهای علمی، نحوه درست رفتارهای فردی و اجتماعی را به شکل بسته‌های چشم‌نواز، پیشاروی یکپاک افراد یک جامعه قرار می‌دهد. با این حال، او در برابر فرهنگ عینی، نوعی از فرهنگ را به عنوان فرهنگ ذهنی مطرح می‌کند که وجه مشخصه آن، استقلال فرد در برابر فرهنگ‌های عینیت‌یافته بیرونی است. زمل علاقه‌مند است الگوهای رفتاری را در قالب بحث فرم‌های فردی و اجتماعی عرضه کند. با این حال عنصر تاریخ و زمان نیز به عنوان عاملی تأثیرگذار در شکل‌گیری فرم‌های فرهنگی می‌تواند تأثیرگذار باشد. هر عصر و زمانه‌ای، با توجه به توسعه و پیشرفت‌هایی که پیشاروی جوامع بشری قرار می‌گیرد، نویدبخش نوآوری و زایندگی در عرصه‌های گوناگون زیست فردی و اجتماعی است. انسان‌ها به همان میزان که با عناصر نوپدید اجتماعی مواجه می‌شوند، به همان میزان علاقه‌مندند نسبت خود را با آن عناصر به شکلی عقلانی تعریف کنند. به همین منظور چنانچه فرهنگ را

مجموعه‌ای قوام‌یافته، ایستا و سترون از میان سنت‌ها، ارزش‌ها، هنجارها و باید و نبایدهایی فرض بگیریم که از دل تاریخ و تمدن یک کشور، سینه به سینه منتقل شده است، باید این پرسش‌ها مطرح کنیم که نسبت ایستایی ایس الگوهای فرهنگی که به شکل فرم‌های اجتماعی بر جامعه عرضه می‌شود، با عرصه سیال دگرگونی‌ها و توسعه‌یافتگی‌های عرصه دیجیتال و فناوری‌های نوین ارتباطی چه خواهد بود؟ زمل معتقد است فرم‌های اجتماعی تا هنگامه‌ای که کارکردهای مطلوبی برای یک اجتماع داشته باشند و منطق درون‌بود آنها با واقعیت بیرونی جامعه همخوانی داشته باشد، مورد بهره‌وری و استفاده قرار خواهند گرفت، اما تغییر در شرایط زیست اجتماعی، باعث خواهد شد آدمیان در پی خلق فرم‌های نوپدید اجتماعی برای بهره‌وری بهینه زیست فردی و اجتماعی خود باشند. به همین منظور باید اذعان کرد عصری که امروزه آدمیان در هر کرانه جغرافیایی در آن زیست می‌کنند، خواه به شکلی ارادی و خواه عاری از هرگونه اراده‌ای، متأثر از پدیده‌های نوظهور علمی، فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی است که معنایی متفاوت به آن چیزی داده که ما از آن به عنوان «زیست اجتماعی» یاد می‌کنیم. نتیجه آنکه الگوهای فرهنگی به تعبیر زمل، همان فرم‌های عینیت‌یافته اجتماعی‌اند که به شکلی غیرارادی در محل تلاقی با عنصر زمان‌مندی زیست اجتماعی قرار می‌گیرند. این زمان‌مندی، همواره به پیچ‌های فرهنگی این هشدار را می‌دهد که باید با توجه به تحولاتی که مرتبط با عرصه رشد، توسعه و پیشرفت‌هایی که در حوزه فناوری‌های نوین دیجیتالی رخ داده، رنگ و لعابی متفاوت از آنچه دهه‌ها پیش بر تاروپود الگوهای فردی و اجتماعی خود زده، به شکلی بزند که مورد اقبال و پذیرش عمومی جامعه قرار بگیرد. در غیراین‌صورت تحولات نوپدید اجتماعی، منطق سخت خود را مانند سیلان رود خروشان بر فرم‌های پیشین عینیت‌یافته اجتماعی حکمفرما خواهد کرد و اثری از آثار آنها باقی نخواهد گذاشت.

۲۷ سیاره

ستاره‌شناسان ۲۷ سیاره بالقوه جدید را کشف کرده‌اند که در دور دو ستاره می‌چرخند. تا به امروز فقط حدود ۱۸ سیاره دوتانه که به دور دو ستاره می‌چرخند، در جهان شناسایی شده‌اند و بیش از شش هزار سیاره کشف شده‌اند که به دور ستاره‌های تکی می‌چرخند، مانند زمین به دور خورشید. به نقل از گاردین، اکنون دانشمندان نزدیک به ۳۰ سیاره دیگر را شناسایی کرده‌اند که فاصله آنها از ۶۵ تا ۱۸ هزار سال نوری از زمین متغیر است. ما احتمالاً بسیاری از منظومه‌ها را از دست می‌دهیم. یافتن سیارات دشوار است.

یاد

به‌یاد شیرین تعاونی

زنی که نخستین تدوین‌کننده اسناداردهای خدمات کتابخانه‌ای به جوامع توان‌خواه فارسی‌زبان بود

حسین‌روحانی صدر

کارشناس سازمان اسناد وکتابخانه ملی آوازه کتابخانه ملی ایران با مدرنیسم و خرد ایرانی بیوندی ابدی دارد. دانش‌آموختگان فرنگ‌دیده سده پیشین، با درک اهمیت حفظ میراث فرهنگی کهن‌دیارشان، با همه تنگناها و مشکلات فراوانی که با آن دست‌به‌گریبان بودند، رسیدن به یک وضع مطلوب در این عرصه را سرلوحه فعالیت‌های نوین عمرانی قرار دادند و با استفاده از هوش مهندسان فرانسوی، بالاخره توانستند ساختمانی مطابق با اسناداردهای مطلوب برای خزانه معنوی این سرزمین فراهم آورند. این حرکت درخشان بعدها با اهدای منابعی از سوی شرق‌شناسان به هزاره فردوسی، به جاده‌های این کتابخانه افزود. به تدریج، مهم‌ترین وظیفه این مجموعه فاخر تعریف و تعیین اسناداردهای کتابخانه‌ای و جمع‌آوری و حفظ و نگهداری و اطلاع‌رسانی شد. این مسیر طریف و پیچیده بر عهده نیروهایی توانمند و متبحر و مجهز به علوم و فنون جدید و مدرن از نسخ خطی تا فضای دیجیتال، به‌صورت چراغ‌خاموش قرار داده شد. آنان با صبر و سکوت‌شان به تبیین نیازها و خدمات فنی حوزه‌های مختلف علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی سروسامان حرفه‌ای و تخصصی دادند. اما این فضیلت و مأموریت ذاتی پس از حضور نیروهای به حاشیه رانده‌شده سیاسی و تبدیل صحن و سرای کتابخانه ملی به پناهگاه فیزیکی و معنوی مردان سیاست به محلق رفته است. دغدغه‌های حوزه اسناداردهاسازی خدمات فنی کتابخانه ملی ایران شد. اگرچه مراکز و مؤسسات علوم کتابداری خاتم‌تعاونی را فقط به عنوان مترجم منابع کارگروه‌های تخصصی ایفلا می‌شناختند، اما ایشان ازجمله مشاوران طراحی و ساخت ساختمان جدید کتابخانه ملی منتخب با اسناداردهای جهانی بودند. یکی از حوزه‌های فعالیت ایشان که توفیق آشنایی این‌جانب با آن بانوی متفکر و سردرگریبان را فراهم آورد، تکابوسی مستمرشان در تهیه و تنظیم اسناداردهاسازی منابع گویای مسورد نیاز توان‌خواهان بنبایی مبتنی بر پیش‌بینی‌های ایفلا بود.



از نوجوانی هر وقت اوراق کم‌حجم اخبار کتاب و کتابخانه‌های نابینایی را در مرکز رودکی یا حسینیه ارشاد می‌دیدم که با امکانات کمی اطلاعات مفصل و قابل‌ملاحظه‌ای از اخبار ویژه معلولین ایران و جهان تنظیم می‌شود، به دنبال آشنایی با پدیدآور آن بودم تا اینکه به مناسبتی اواخر سال ۱۳۷۰، با موبایل من تماس گرفته شد. فردی با صدایی آرام و محکم خود را تعاونی- تهیه‌کننده خبرنامه کتاب و کتاب‌خوانی نابینایان- معرفی کرد. با اشتیاق خطاب به ایشان گفتم: «من اخبار مندرج در این خبرنامه را دنبال می‌کنم». ایشان از من خواست فعالیت‌ها و دستاوردهای مجموعه‌ای را که با آن همکاری داشتم، برای انعکاس در اخبارشان بگذارم. در هر تماس، ایشان آفق و نکته جدیدی را در حوزه به‌روزرسانی سخت‌افزاری و نرم‌افزاری به من یادآور می‌شدند. در همین مسیر، ایشان پس از جمع‌آوری داده‌ها و بررسی کیفیت منابع گونا و بریل، ضمن تهیه فهرست‌های آن منابع، شیوه‌نامه اسناداردهاسازی تولید کتاب گویا را نیز منطبق با نیازها و اسناداردهای بین‌المللی منتشر و همچنین ایده تجهیز بخش‌های خدمت ویژه کتابخانه‌ای برای معلولین را دنبال کرد. با حسن روابط، تسلط و نفوذی که در مجموعه‌های وابسته به ایفلا داشتند، نرم‌افزار‌های مرتبط با OCR فارسی و سخت‌افزار و نرم‌افزار دیزی (Dasy)، صوت تیکر و بریل لاک را مطرح کردند و به‌اصطلاح اهل فن می‌توان ایشان را میس دیزی (Ms Dasy) فارسی‌زبانان دانست. ایشان به دنبال انتقال تجربه استفاده از book charge machine در کتابخانه‌های عمومی و تخصصی بود. امید است با گشایش فضای باز برای فعالیت مضمّن‌تر نسل‌های جدید مطالعات کتابداری و اطلاع‌رسانی، فضایی ابتکار و جنب‌وجوش نسل پیشین حفظ شود و دستاوردهای ایشان سرلوحه موفقیت نسل‌های بعد باشد.